

خیری در شر

عبدالعلی بازرگان

"کسانی که آن دروغ تقلب آمیز را مرتکب شدند، گروه متشکلی از شما (نه بیگانه) هستند. این حادثه را شر میندازید، بلکه (نتیجه اش) برای شما خیر است. برای هر یک از آنها (که نقشی در این عمل واژگونه داشتند) عقوبتی است به تناسب عملشان، و آن کس را نیز، که نقش اصلی را در این ماجرا ولایت کرده است، عذاب عظیمی است." (سوره نور آیه ۱)

سی سال است که در متن مصیبت ها و درد و رنج ها، تسلیت و تبریک. توأمان!! با تار و پود این ملت مظلوم عجین شده و به فرهنگی آشنا برای مردم کوچه و بازار تبدیل گشته است. در چنین بستری است که این تسلیت و تبریک را به ملت عزیز ایران عرض میکنم.

تسلیت از خون های به ناحق ریخته شده، خیانت به آرمان های اصیل اولیه انقلاب و حقوق بدیهی ملت، تحقیر مردم و توهین به شخصیت و انتخاب و آراء آنها در دهمین انتخابات ریاست جمهوری، و تبریک، به ایستادگی و استقامت شان در راه آزادی و حاکمیت ملت، به رغم همه خطرات و خسارت ها.

البته از نوب شدگان در ولایت مطلقه فقیه و توجیه گران و تئوریسین هایش که بارها و به وضوح رأی و انتخاب مردم را فاقد اعتبار شرعی و تنها برای تحقق امر ولایت لازم شمرده اند، انتظاری نمی رفت و هرگز نمی رود که امانت دار آراء مردم باشند، اما امیدی بود که در انتخاب میان گزینه های محدود شورای نگهبان حداقل حقی برای مردم قائل باشند!! مردمی که از استبداد ولایت و تنگی معیشت به تنگ آمده و خواهان تغییری اساسی در ارکان مدیریت کشور بودند.

دریغ که درد دیکتاتورها را درس تاریخ درمان نمی کند!! اما خون و خسارت و خرابی ها می گذرد و خائنین به سزای اعمالشان می رسند و سرانجام، این ملت ها هستند که با همت خود و حمایت پروردگار پیروز و پابرجا می مانند.

یک روی سکه، سلطه سرکوب است و تلخ کامی و تنهایی مردم در غیاب سازمان ها و تشکیلات رهبری کننده و بسته شدن بیشتر راه های ارتباطی و اطلاع رسانی، روی دیگر آن جوشیدن سرچشمه های غیرت و قدرت ملتی که قد علم میکند و به آفتاب آزادی سر می کشد.

تا شما به کدام روی سکه چشم دوخته باشید؟! ... آیا پرتو خورشید در روی دوم سکه آشکار نیست؟

همین که چهره متقلبان ریاکار برای بخش دیگری از ملت، که تاکنون در خوشباوری بودند، آشکار شده است، آیا پیروزی اندکی است؟

همین که نخست وزیر مورد حمایت هشت ساله پایه گذار نظام ولایت فقیه و رئیس مجلس منتخب نمایندگان اسبق به همان شعارهای مردم در سی سال گذشته رسیده و عملکرد حاکمان تمامیت خواه، آنها را با مردم و مردم را با آنها نزدیک کرده، آیا موفقیت اندکی است؟ آیا ریزش نیروهای انحصار طلب و افزایش نیروهای مردمی پیروزی نیست؟

همین که خواسته های قانونی و مشروع یک ملت مشخص و ملموس تر و صفوف آن ها برای احقاق حقوقشان متشکل تر و مترکم تر شده، آیا دستاورد کمی است؟

همین که تضاد ولایت مطلقه یک فرد با مصلحت یک ملت، و تعارض حکم حکومتی او با آراء میلیونی مردم برای توده های مردم ملموس تر از همیشه شده، آیا گام کوچکی است؟

همین که ترس مردم برای مطالبه حقوقشان، از حملات نیروهای ضربتی زائل شده و زور را با زبان منطق پاسخ می دهند آیا تحول بزرگی نیست؟ پس (به تعبیر آیه فوق) این حوادث را شر نیندازید، بلکه خیری است برای ملت، مشروط بر آنکه به نیروی منطق و مسالمت و احتراز از خشم و انتقام از آن بهره برداری بهینه کنیم.

انقلاب سال ۵۷ به ما آموخت که می توان با گل گلوله ها را در گلولی تفنگ خفه کرد و ارتشی نیرومند را به زانوی مسالمت و به جبهه مردمی درآورد. چرا امروز این تجربه را تکرار نکنیم و چرا پاسداران به پیام ملت، که پیروی عملی از اخلاق حسینی است، نمی پیوندند تا به خشم مردم و خسارت اخروی گرفتار نشوند؟

قیام نیمه خرداد سال ۱۳۴۲ را ارادل و اوباشی وابسته به حاکمان با آتش زدن اتوبوس ها و حمله به مدارسی دخترانه لکه دار کرده و زمینه ساز توجیه تبلیغاتی آن برای سرکوبی خونین شدند. در آستانه انقلاب سال ۵۷ نیز چنین ترسند و توطئه هائی بسیار صورت می گرفت، اما هوشیاری و مراقبت مردم آنها را خنثی میکرد. تضمین پیروزی های این مرحله نیز همان مقاومت ها و مراقبت ها را می طلبد.

پیام کتاب آسمانی مسلمانان در چنین شرایطی، "صبر و تقوا" است. "صبر" یعنی مقاومت و ایستادگی در برابر متجاوزین به حقوق مردم، صبری فعال و ستم ستیز، نه صبر انفعالی تکلیف گریز. و "تقوا" یعنی خویشتن داری از غلبه احساسات و ارتکاب اعمال خلاف اخلاق و انسانیت.

آری، اگر صبر و تقوا داشته باشید، طرح ها و توطئه های آنها کوچک ترین ضرری به شما نمی زند. چرا که خداوند بر آنچه می کند احاطه کامل دارد.

.....وَإِنْ تُصَبِّرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ (آل عمران ۱۲۰)